

روشن
کتاب
انتشارات

عمادیوان

دیوان اشعار محمد عمادی

www.ketab.ir

شاعر: محمد عمادی
گردآورنده: اسمعیل عمادی

سرشناسه: عمادی، محمد، ۱۳۹۶-۱۳۱۴.
عنوان و نام پدید آور: عمادیوان/ دیوان اشعار محمد عمادی:
گردآورنده اسمعیل عمادی.

مشخصات نشر: بندرعباس . نشر سمت روشن کلمه، ۱۴۰۳
مشخصات ظاهری: ۵۲۶ ص. ۱۴/۵ در ۲۱/۵ س م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۱۹۶-۳۳-۶

نوعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: شعر طنزآمیز -- قرن ۱۴

Humorous poetry -- 20th century

شعر فارسی -- قرن ۱۴

Persian poetry -- 20th century

شناسه افزوده: عمادی، محمد، ۱۳۹۶

رده بندی کنگره: PIRAT54

رده بندی دیویی: ۶۲/۸۱۴

شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۷۳۴۶۰

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا



انتشارات

شاعر: محمد عمادی
گردآورنده: اسمعیل عمادی
ناشر: سمت روشن کلمه
مدیر مسئول: یداله شهرجو
مدیر اجرایی: هانا زارع
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۱۹۶-۳۳-۶
صفحه آرا: هورخش پشت کوهی
طراح جلد: شهاب حاجی زاده
چاپ اول: بهار ۱۴۰۳
چاپ و صحافی: ایرانیان
شمارگان: ۳۰۰ نسخه
قیمت: ۳۳۰ هزار تومان

بندرعباس، چهارراه فاطمیه، خیابان شریعتی شمالی، کوچه جاودان ۴،
پشت کلینیک دندانپزشکی مهرگان، ساختمان پارسا، طبقه دوم
۰۷۶۳۳۲۱۰۵۱۷ - ۰۹۱۷۳۶۵۷۰۵۰

Samtroschan@gmail.com
instagram.com/samt_roshan
www.samtroschan.com

حق چاپ محفوظ است

فهرست اشعار

۱۷	اشاره
۱۸	شرح حال
	اشارات و امارات طنز
۲۱	یک شاعر بندری
۳۹	دیباچه
۴۴	درمان غم
۴۷	ثنا پیرامون رثا
	فصل اول
۵۱	من و عیال
۵۳	بنده هم
۵۵	خلاقی هر چه لایق
۵۷	تابستان
۵۹	هردمبیل
۶۱	عاریه
۶۴	آمان از برق بندر
۶۶	تمارض
۶۹	بخور و بمیر
۷۲	طبییب عاشق
۷۴	مهجور منفور
۷۶	شکوا بیه
۷۸	شوریده حال

۷۹	پول
۸۱	که این رامی خری، آن رانداری
۸۳	مرد آهنین
۸۵	زَر و زور و تزویر
۸۷	فرض محالات
۹۱	نصیحت نامه
۹۳	عصر یخبندان
۹۵	بهتر
۹۷	ای بیلی
۹۹	نا اهلان
۱۰۲	بین مقاصد
۱۰۴	کبوتر بی‌قوی
۱۰۶	دُکان دکتر
۱۰۸	شکم چرانی
۱۱۰	زین کوله بار محنت
۱۱۱	میل وطن
۱۱۵	عاشقِ قلیه ماهی‌ام
۱۱۸	عیال غُرّان
۱۲۰	برسان کلام ما را
۱۲۲	کو؟
۱۲۴	پند پدر

فهرست اشعار

۱۲۷	نمیرم بدین گونه من
۱۲۹	جوالی دم و دود
۱۳۱	لکنت
۱۳۳	دست خالی، خواست عالی
۱۳۵	مَنْصَب نامذلول
۱۳۷	آنچه مادر پی اویم
۱۳۹	بختک
۱۴۱	رهم و بی افاده
۱۴۳	ای بقی
۱۴۵	ای اسکن
۱۴۷	و بال بنده!
۱۴۹	داد و بیداد الامان
۱۵۱	هذیان سُرایی
۱۵۴	بُنیۀ بنده زاده
۱۵۶	ترنم باران
۱۵۸	آندر هوای پشمک
۱۶۰	هر دو
۱۶۴	آلام فرتوت
۱۶۶	طبع نحیف
۱۶۸	اندرز مندرز
۱۶۹	خندانه

فهرست اشعار

۱۷۱	عجایب نیستی
۱۷۳	نوروزیه
۱۷۶	سرشت
۱۷۷	پزشکان عمومی
۱۷۹	تب فوتبال
۱۸۱	قرعه‌کشی
۱۸۳	موجر جد
۱۸۵	مفلوکِ حزین
۱۸۷	مَه جبین!
۱۸۹	آینه‌نَظور
۱۹۱	بیت‌نقش
۱۹۳	اتول بر سر!
۱۹۵	دلم خوشه که زنده‌ام!
۱۹۸	از چپ و راست دَوا
۲۰۰	صبر! غوره! حلوا!
۲۰۲	وقت ارزانی
۲۰۴	توهم‌نامه
۲۰۶	خندق بلا
۲۰۸	مجلس بی‌ریا
۲۱۰	فغان‌نامه
۲۱۲	تصویر مخلص!

فهرست اشعار

۲۱۴	زایمان
۲۱۶	به وقت جوانی دگر بار
۲۱۹	کج اقبال
۲۲۱	ثنای مرغ
۲۲۳	گر بود و غیره
۲۲۵	ژست زشت رو
۲۲۷	تحفه فرنگ
۲۳۰	انظر، منجزاً، انفجار!
۲۳۲	بیا بمین
۲۳۸	الصبر مفتاح الفرج
۲۴۰	سروده بیهوده
۲۴۱	عروس اجنبی
۲۴۲	اقبال بد
۲۴۵	شرمساری
۲۴۷	شکمبارہ
۲۴۹	مرغ معدوم
۲۵۱	تدابیر سگی
۲۵۴	سلام بی جواب!
۲۵۵	بر باد رفته
۲۵۶	یادآوری
۲۵۸	خادم یاغی

۲۶۰	مرغ مفقود!
۲۶۲	نُفیر
۲۶۵	دادو هوار
۲۶۷	قالتاق بی قالیاق!
۲۶۹	عفر یتِه
۲۷۱	طینت تندخو
۲۷۳	پارادوکس رفتاری!
۲۷۴	آندر حکایات قحطی!
۲۷۶	نسیه آرابی
۲۷۸	هشیق به گرو
۲۸۰	خود و خرا
۲۸۲	نصایح به ارباب!
۲۸۴	جارچی!
۲۸۶	ارتجاج
۲۸۸	خَرِ خودت را بران!
۲۹۰	بینوا کچل!
۲۹۳	ایّام همایون
۲۹۵	همنشین ناباب!
۲۹۶	زعم بیهوده!
۲۹۸	شب دراز است و...
۳۰۰	ناجور در جوار

فهرست اشعار

۳۰۲	شاعر هذیانی!
۳۰۴	دوی سرعت!
۳۰۸	حضور سبز!
۳۱۰	مُدَمَّغِ یاوه‌گو!
۳۱۲	إضمحلال
۳۱۴	نَسْناس!
۳۱۵	در یوزگی
۳۱۷	ادبم وظیفه!
۳۱۹	تأخیر
۳۲۱	سفر شیر
۳۲۳	ندارم در چوارم!
۳۲۴	تَعَسُّراتِ فزونی
۳۲۵	هزار غزو چنین
۳۲۸	تا اطلاع بعدی!
۳۳۰	مرغ دل آرا!
۳۳۲	هیبت نان و پنیر!
۳۳۳	مصائب آجنبی!
۳۳۵	آدبار من!
۳۳۷	نهادیم به گرو!
۳۳۹	آساس است و بَس!
۳۴۱	حاصل جمع مردمان در صف

فهرست اشعار

۳۴۲	سرخوشی
۳۴۵	گلایه
۳۴۷	در مدح مهیاوه
۳۴۹	خرواری چند؟
۳۵۱	ای مُحکّر
۳۵۳	پدر کاو ندارد....
۳۵۴	بی‌ریا!
۳۵۵	مناعت طبع!
۳۵۶	پوزش طلبی
۳۵۸	شاه دزد!
۳۵۹	سبک‌دست
۳۶۱	پیاز سبک‌دست!
۳۶۳	فوج پشه‌گان!
۳۶۵	کلوخ‌انداز
۳۶۷	موعظه‌ای به حافظ
۳۶۹	آمالِ پامال!
۳۷۲	تَطوّر
۳۷۴	آن‌در احوالات زیق و زپرت!
۳۷۵	ناله شب‌گیر
۳۷۹	یا أَيُّهَا الْجَمَاعَه
۳۸۱	سبک‌پندار

فهرست اشعار

۳۸۲	ذِلالت!
۳۸۵	دل صاب مُرده!
۳۸۷	تکنولوژی گریان!
۳۸۸	تبعیض
۳۹۰	میکنت گُتره‌ای
۳۹۲	قوت لایموت!
۳۹۳	مُنحل!
۳۹۴	بنم‌ری‌بیاد بگیرید
۳۹۶	گو کجا هست ما آن جامی رویم!
۳۹۸	تحفه ولایت
۳۹۹	تَمَنای نابه‌هنگام
۴۰۰	رُل اصلی!
۴۰۱	وعده‌های آبکی!
۴۰۵	خیار بافی!
۴۰۷	عائله‌گزینی!
۴۰۹	جویندگی
۴۱۰	سیرة الثروت
۴۱۱	آمالِنا، آلامِنا
	آن جاکه عیان است، چه حاجت
۴۱۳	به بیان است
۴۱۵	نسیه بَر و لُخرج!

فهرست اشعار

۴۱۷	ضیافت رزمی!
۴۲۰	سیرِ عافیت
۴۲۲	آخرالزمان!
۴۲۵	چلَمَن مُقام!
۴۲۶	بوش دغا
۴۲۸	در مذمت شارون!
۴۲۹	قهرمان دو!
۴۳۱	خاطر خرم
۴۳۳	چی از کجا
۴۳۵	طنز مَوْشَح
۴۳۷	وضع حیا
۴۳۸	شعر و سبک
۴۴۰	ربال لال در کف عیال
۴۴۲	فصل گرما
۴۴۴	بیکار الدوله!
۴۴۵	هست و نیست
۴۴۷	دعوا
۴۴۹	مروارید آبکی
۴۵۴	گداگریزی
۴۵۶	غیر الهی نامه
۴۵۸	زدورفت!

فهرست اشعار

۴۶۰	در مذمت پندر
۴۶۲	زیر خط فقر
	فصل دوم
۴۶۴	نیرنگِ نامه
۴۶۶	و کالتا!
۴۶۸	آدمیت
۴۷۰	خیال سست
۴۷۱	عنبر تن
۴۷۲	غلب پیشه
۴۷۳	مدیون
۴۷۶	بِه بَه چه هوایی
۴۷۹	تَا مَلِکِ مَلِکِ سلیمان شوی
۴۸۰	ملی پوشان
۴۸۲	بَدَل و رَدَل
۴۸۴	راننده، راهت را بپا
۴۸۶	مدح وطن
۴۸۸	نِکو خواهی
۴۹۰	ولنگاری
۴۹۲	افیون دیو سیرت
۴۹۴	این نیز بگذرد
۴۹۵	غم در ماندگی گر بگذارد

فهرست اشعار

۴۹۷	گُتره‌ای!
۴۹۸	باز شد دیدگان من از خواب
۵۰۰	آز
۵۰۲	شهر ماضی!
۵۰۴	فغانستان
۵۰۶	زَر مَقال!
۵۰۷	همسایه فرومایه
۵۰۹	بهاریه
۵۱۱	تَمایز!
۵۱۳	وابستگی
۵۱۶	رویی از ازار کِسادی
۵۱۷	فَر جانی حق!
۵۱۹	غلام بخوت
۵۲۱	عاقبت پولداری
۵۲۳	راه تعادل

www.ketab.ir

اشاره

پیشکش به عموی عزیزم مسعود که در میان راه تنهایمان گذاشت... کتاب پیش رو مجموعه‌ای از اشعار محمد عمادی بوده که حاصل یک عمر فعالیت مستمر او در عرصه شعر و شاعری و طنزپرازی می‌باشد که شوربختانه تا به امروز مهجور مانده بود و بعد از درگذشت ایشان ناگزیر به جمع‌آوری و در نهایت چاپ آن شدم، دریغا که در زمان حیاتش این مهم حاصل نشد...

و اما این کار ممکن نمی‌شد مگر با حمایت و رهنمودهای اساتید و عزیزانی که با دلسوزی و شکیبایی محض یاری‌رسان حقیر بوده‌اند و همواره قدردان و سپاسگزارشان خواهم بود.

آقایان عمادالدین و آرمان عمادی، پیام، پیمان و پیروز عمادی، شهاب حاجی‌زاده، رضا رفیع، ابراهیم حقیقی، راشد انصاری، یدالله شهرجو و زنده‌یاد حسام‌الدین نقوی.

اسمعیل عمادی

دی ماه ۱۴۰۲ شمسی

شرح حال

زیر این گنبد دوار فسونکار عجیب
عده‌ای گرم دغلبازی و مکرند و فریب
نه به دل رحم و مروت، نه به سر عقل و شعور
نه جوی در رود از پنجه آنها، نه غریب!

محمد عمادی در سال ۱۳۱۴ در بندرلنگه متولد شد. دوران کودکی را تا سن ۶ سالگی در همین شهر گذراند و در سال ۱۳۱۹ به همراه پدر و مادر خود به بندرعباس مهاجرت نمود. دوران ابتدایی و دبستان را در مدرسه جاوید شهر بندرعباس که تنها مدرسه این شهر بوده است سپری کرد و سپس جهت ادامه تحصیل در دبیرستان ابن‌سینا این شهر دوره تحصیلات متوسطه را به پایان رسانید. در نوجوانی در جستجوی کار به کشورهای جنوبی حاشیه خلیج فارس رفته و در آن جا چند سالی مشغول به کار بوده تا این که در سال ۱۳۳۴ بعد از فوت پدرش به بندرعباس مراجعت و در بانک ملی ایران استخدام شد و سرپرستی مادر و دو

برادر کوچک‌تر را برای سال‌ها بر عهده داشت.

وی از کارمندان و مدیران تراز اول بانک ملی ایران در واحد ارزی محسوب می‌شد که افتتاح چندین شعبه این بانک در داخل و خارج کشور را در کارنامه خود دارد و به دلیل کار در کشورهای حاشیه خلیج فارس علاوه بر زبان فارسی با زبان‌های انگلیسی، عربی و هندی آشنایی داشته و با تسلط به این زبان‌ها صحبت می‌نمود. از آن جایی که به موسیقی، عکاسی، سینما و شعر علاقه بسیار داشت همیشه کتاب، روزنامه و مجلات این رشته را مطالعه می‌کرد و از جمله آن می‌توان به مجله سیاه و سپید و روزنامه توفیق و اشعار ابوالقاسم حالت و کریم فکور که در این روزنامه‌ها به چاپ می‌رسید اشاره کرد و بعدها با ذوق و قریحه‌ای که از دوران نوجوانی به سرودن اشعار طنز داشت، خودش شروع به سرودن شعر طنز کرده که به سبک این دو شاعر نزدیک‌تر بود.

همچنین وی نوازنده‌ای حاذق در نواختن ویولن و سنتور بوده که ترانه‌های سنتی و محلی ایران را به زیبایی اجرا می‌کرد و از شعرای بومی و بندری به اشعار زنده‌یاد نصرک علاقه وافر داشت و به علت دوستی که با زنده‌یاد سلطان عطایی خواننده و ترانه‌سرای شهیر بندرعباسی داشت، اشعار و آهنگ‌های مرحوم نصرک را به همراه یکدیگر اجرا می‌کردند.

محمد عمادی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ خورشیدی با ماهنامه خورجین همکاری داشت که تعداد زیادی از اشعار طنزش در شمارگان آن دوره به چاپ رسیده‌اند. در دهه ۷۰ خورشیدی با مجله اطلاعات هفتگی نیز همکاری می‌کرد و اشعار خود را ابتدا برای صفحه "شکرخند" زیر نظر "وکیل‌باشی" که نام مستعار یحیی وکیلی زند از طنزپردازان به نام و پیشکسوت که بعدها و از دهه ۸۰ این صفحه با عنوان "در حلقه رندان" به حلقه‌داری رضا رفیع طنزپرداز برجسته و سرشناس تغییر نام یافت به چاپ می‌رساند.

یکی از خصوصیات بارز محمد عمادی غرور و تعصب ملی و تعلق خاطر بی حد و حصرش به کشورش ایران بود و با وجود این که سال‌های زیادی از عمر خود را در خارج از ایران به کار و فعالیت مشغول بوده و با توجه به سوابق گوناگونی که داشت، می‌توانست ملیت خود را به نام یکی از این کشورها که در وضعیت مالی و اجتماعی او تأثیر به‌سزایی داشته تغییر داده و از آن بهره‌مند گردد اما هیچ‌گاه به این امر تن در نداد و همیشه به ایرانی بودن خویش مفتخر بود و این مسئله در برخی از سروده‌هایش کاملاً مشهود است.

محمد عمادی در اواخر عمر به آلزایمر دچار و پس از چند سال تحمل بیماری سرانجام در بیمارستان ایرانی شهر دبی در هفدهم مهرماه ۱۳۹۶ چهره در نقاب خاک کشید و در آرامگاه همان شهر به خاک سپرده شد.

بیتی از سروده‌هایش بدین مضمون بر روی سنگ مزار او نبشته شده است:

"هر که آمد چند روزی ماند اندر این سرا

ی‌رود آخر از این دنیای فانی، بنده هم"

عمادالدین عمادی

تیرماه ۱۴۰۲ شمسی